



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	مذاکرات مجلس		شماره
۱۰۳			۱۰۳
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراک	
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود	داخله ایران سالیانه ده تومان خارجی ۹ دوازده تومان	
جلسه ایله پنجشنبه ۸	-----	قیمت تک شماره	
اسفند ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود	یک قران	
مطابق ۲۷ رمضان	-----		
۱۳۴۸	مطبعة مجلس		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس لیلہ پنجشنبہ ہشتم اسفند ماہ ۱۳۰۸ * (۲۷ رمضان ۱۳۴۸)

نہرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (بقیہ شور دوم لایحہ تأمین مدعی بہ از مادہ ۲۰)
- ۳ (افتراع برای شرفیابی بہناہبت عید فطر)
- ۴ (موقع دستور چلہ ہمد - ختم چلہ)

مجلس ساعت ۹ بعد از ظهر (مقارن سہ ساعت از شب گذشتہ) بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس لیلہ ہشتم اسفند ماہ را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

رئیس - آقای ملک مدنی

رئیس - صوت مجلس تصویب شد .

ملک مدنی - آقای آقا سید کاظم و آقای وثوق [۲] بقیہ شور دوم لایحہ تأمین مدعی بہ از مادہ ۲۰

چیزہ خواستہ اند تصویب ہم شدہ است حواستہم استدعا

رئیس - مادہ بیستم قانون تأمین مدعی بہ :

مقام ریاست کہ بفرمائید اصلاح کنند

مادہ بیستم - قبول ضمانت راجع بمحکمہ ایست کہ

رئیس - اصلاح میشود. در صورت مجلس نظری نیست؟

قرار تأمین را دادہ است

رئیس - آقای روحی

(معارضی نبود)

* * * عن مذاکرات مشروح صدوسومین جلسہ از دورہ ہفتم تقنینیہ (مطابق قانون ۸ آذر ماہ ۱۳۰۵)

دایرہ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین کہ ضمن صورت مجلس خواندہ شدہ است :

- غائبین با اجازہ - آقایان : حسنعلی میرزا دولتشاہی - وہابزادہ - عاصمیرزا - بالیزی - الفت - ارباب کیخسرو - نبور تاش
- غائبین بی اجازہ - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - فرا گوزاو - سید کاظم - بوشہری - آصف - سید مرتضی وثوق
- غائبین - کاشانی - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بروجردی - کفائی - حاج حسین آقا مہدوی -
- غائبین علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
- غائبین در آمدگان با اجازہ - آقایان : ملک آرائی - شریفی - بیات .

روحی - موافق

رئیس - آقای کیای نوری

کیا نوری - موافق

طاهری - مخالفی ندارد

رئیس - مخالفی ندارد؟

نمایندگان - خبر

رئیس - آقایانی که ناماده بیستم موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و یکم:

ماده ۲۱ - کسی که ضامن میدهد باید ضامن را شخصاً در محکمه حاضر کرده با ضمانت نامه بمهر و امضای خود ضامن که در اداره ثبت اسناد یا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده یا مورد تصدیق طرف باشد بمحکمه تقدیم کند و در هر مورد ضامن دهنده مکلف است در صورت تقاضای طرف اعتبار ضامن و یا ضامن های خود را در محکمه ثابت کند.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بعقیده بنده اینجا در این قسمتی که راجع بضامن است در آخر ماده اسباب زحمت است و تصدیق وارد شده است چون وقتی که ضامن معتبری را کسی معرفی کرد بدفتر محکمه و با ورقه اش را آورد دیگر محتاج باین قسمت آخر نیست که نوشته اند: در صورت تقاضای طرف اعتبار ضامن را در محکمه ثابت کند این اصلاً زائد است و در هر موردی ولو که اعتبار او هم مسلم باشد طرف اعتراض بیجهت میکند چون غالباً هستند کسانی که اشخاص معتبری را معرفی میکنند برای ضمانت شان ولی طرف برای اینکه اعمال نظر شخصی بکند اعتراض میکند و او را رد میکند و ممکن است بعد از اینکه مدعی علیه ضامن معتبری آورد (و بهمین ترتیب مخصوصاً با این قید آخر ماده) وارد شد برای مرحله ثانی کسی

حاضر نشود ضمانت او را بکند و يك تضييع حتى از او ميشود بنده خواستم نظر آقای مخبر را باینقسمت جلب کنم که این ماده قسمی تنظیم شود که تولید اشکالی نکند
رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده متأسفانه بیانات نماینده محترم را آنطوری که باید نشنیدم ولی آنقدری که بگویم خورده اینست که میگویند تصدیق شده است نسبت بضامن مدعی علیه ولی بنده تصور میکنم این بیشتر با اثبات حق مدعی است و تا اینکار را نکند مدعی نمیتواند بحق خودش برسد ضامن هر قدر بهش بیشتر فشار بیاید و اعتبارش را ثابت نکنید بیشتر موجب اثبات حق طرف میشود و الا غیر از این نمیشود. الان شما ملاحظه کنید اگر اعتبار ضامن محرز نشود در اینمورد تبدیل ناپسند مدعی به و ضامن مسامی در دسترس او نبود حق طرف تأمین نمیشود و اگر ضامن معتبر نبود و حق هم بجنب مدعی شد و مدعی به هم تقریب شده بود چه باید کرد پس هر قدر اعتبار ضامن بیشتر با دقت رسیدگی و مسلم شود بیشتر موجب تثبیت حق است و هر قدر ضامن باشد ضامن حق تضييع ميشود و بنده تصور میکنم ماده اشکالی داشته باشد و اگر هم در واقع چیزی بنظر من میرسد که بهتر است پیشنهاد میکنم است بفرمایند ما موافقت میکنیم و الا در صورت ظاهر بنده عیبی بر این ماده نمیبینم
رئیس - آقای کیای نوری

کیا نوری - عرض کنم که در ماده ۲۱ میگوید کسی که ضامن میدهد باید ضامن را شخصاً در محکمه حاضر کرده یا ضمانت نامه بمهر و امضای خود ضامن در اداره ثبت اسناد یا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده مورد تصدیق طرف باشد بمحکمه تقدیم کند و در هر مورد ضامن دهنده مکلف است در صورت تقاضای طرف اعتبار ضامن و یا ضامن های خود را در محکمه ثابت کند

بعد در ماده بیست و سوم میگوید که اگر مدعی یا محکوم له در روز معین حاضر نشود محکمه می تواند ضامن را که برای تأمین کلیه یا قسمی از مدعی به یا محکوم به کافی میداند قبول کند باین جهت بنده تصور میکنم که در این جا باید اساساً نوشته شود که در صورت تقاضای طرف یا محکمه زیرا در موردی که مدعی حاضر نشود و محکمه بخواهد خودش قبول ضمانت بکند باز هم حق داشته باشد که بمدعی علیه بگوید که شما اعتبار ضامن خودتان را ثابت کنید (آقا سید یعقوب مدعی نه محکمه) خیر باید محکمه هم حق داشته باشد که اعتبار ضامن را بخواهد نه فقط مدعی حق داشته باشد بلکه محکمه هم در صورت نبودن مدعی حق داشته باشد اعتبار ضامن را بخواهد باین جهت اگر يك کلمه اضافه نکند مطابق ماده بیست و سوم در روز رسیدگی محکمه حق نخواهد داشت اعتبار ضامن را بخواهد در صورتیکه ممکن است مدعی حاضر نباشد و ضامن هم اعتبار را بخواهد پس باید محکمه هم بتواند اعتبار ضامن را بخواهد

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - ایراد نماینده محترم اگر چه ایراد راجع بماده بیست و يك است ولی از طرف دیگر در ماده هفدهم می نویسد با دادن ضامن معتبر نماینده رفع توقیف بنماید البته باید که اعتبار ضامن در تمام محکمه محرز و مسلم باشد تا قبول کند و این چه ماده بیست و یکم در صورتیکه تردید کند طرف دعوی اعتبار ضامن مقصود این است که ضامن دهنده از نظر اثبات اعتبار ضامن خودش بایستی اعتبار ضامن خودش را بگوید و ثابت کند تا موجب اطمینان طرف مدعی شود و آقای ملک مدنی هم که در قسمت اول ایراد نمودند که در صورتیکه ضمانت نامه با امضای او باشد

بعلاوه برود و در ثبت اسناد هم ثبت بکنند اسباب اشکال میشود بنده عرض میکنم این اشکالی ندارد بلکه ثبت ضمانت نامه در ثبت اسناد در ثبت اسناد که تشخیص ضمانت نمیشود فقط صدور ضمانت از ناحیه شخص ضامن در ثبت اسناد یا دفتر رسمی ثبت میشود و قضیه اعتبار قضیه ایست که بایستی در خود محکمه تشخیص شود اشکالی هم ندارد و البته هم خود محکمه حق دارد ضامن را معتبر بداند و قبول بکند هم طرف دعوی و در صورتیکه مدعی نسبت باعتبار ضامن تردیدی داشته باشد که بتواند اعتبار ضامن را بخواهد که ضامن دهنده اعتبار ضامن خودش را ثابت کند در محکمه که طرف دعوی مطمئن باشد که اگر محکوم کرد طرف خودش را بحق خودش خواهد رسید و بنده تصور نمیکنم تصدیقی باشد برای اینکه اگر يك ضامن معتبر نباشد تصدیق بفرمایید تصدیق حق طرف دیگر خواهد شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم نظرم همین بود که اظهار شد و عقیده ام این است که برای رعایت حال مدعی علیه نوشته شود که مدعی اگر تصدیق کند اعتبار ضامن را یا محکمه هم اگر تصدیق کرد کافی است و تصدیق زیاد بر يك کسی که تا حالا هیچ حقی معلوم نشده است و می خواهیم تازه حق را معلوم کنیم تصدیق بر این آدم کردن يك قدری از انصاف بدور است که هر کسی را بیارود مدعی علیه آنها قبول نکند پس بنویسد یا مدعی یا محکمه

مخبر کمیسیون قوانین عدلیه (باسامی) - عرض کنم این که نوشته شده یا مورد تصدیق طرف باشد مقصود این نیست که اعتبار ضامن مورد تصدیق طرف باشد امضاء و مهر ضمانت نامه مورد تصدیق باید باشد اشتباه نشود گفته میشود که ضمانت نامه باید بتصدیق ثبت اسناد یا دفاتر ثبت اسنادی که در محضر هست برسد یا خودش امضا و مهر طرف را مدعی تصدیق

بگند. که این صحیح است و این مهر و امضای ضامن است و من قبول دارم ولی مسئله اعتبار ضامن تنها بنظر محکمه نیست و باید خود مدعی رضی شود باعتبار او و الا فلسفه تأمین تأمین نشده است زیرا بالاخره شما تأمین مدعی به می کنید از نقطه نظر اعتبار ضامن برای مدعی نه برای کس دیگر و اگر اعتبار ضامن مشکوک شد مثل این است که تأمین بعمل نیامده است مثل معروف است که جنک اول به از صالح آخر است و بهتر این است که در روز اول محرز شود اعتبار ضامن که در موقع اجرا دچار اشکال نشوند

روحی - کافی است

آقا سید یعقوب - خیر مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده خواستم مراجعه بدهم مجلس را اگر فرمایش آقای یاسائی در این مسئله کافی است که کافی است مذاکرات والا فرمایش آقای کیا که فرمودند اشتباه شد موضوع مسئله اساساً دو تا است... خیر بنده ناچارم بروم آن جا و این که مسئله را درست درش بحث کنم.

آقا سید یعقوب - (پشت کرسی خطاب) عرض کنم که...

اعتبار - کافی است مذاکرات

آقا سید یعقوب - کافی است؟ همین را بلدی؟ خیر کافی نیست. عرض کنم که محکمه آقا نسبتش بمدعی یا مدعی علیه علی السویه است. محکمه چه کار دارد بگوید تو باید ثابت کنی محکمه قاضی است حالا قاضی بیاید در این جا مدعی بشود؟ (کیا - در غیبت است) صبر کن آقا صبر کن. ما در این جا آمدیم و گفتیم که از برای خاطر تسهيلات بر مدعی علیه گفتیم که او میتواند

تبدیل کند عین مدعی به را بضامن حالا وقتی که تبدیل بضامن شد ضامن باید معتبر باشد. يك حق را هم این جا بمدعی دادیم که ضامن باید معتبر باشد و او بخواند ثبوت اعتبار ضامن را از مدعی علیه و اگر حالا مدعی خودش آن روز نیاید در روز معین که آقای کیا گفت این مدعی خودش ابطال کرده است حق خودش را در نظر گرفته است حق خودش را. این جا آقا محکمه فایده اش اینست که بگوید او نیامده است پس باید اعتبار ضامن نزد من ثابت شود؟ نه او نیامده است و تضرع حق خودش را کرده است دیگر محکمه که مدعی العموم نیست که از طرف مدعی بیاید و این کار را بگند دو حرف است برای دو طرف یکی مدعی علیه که تقاضای ضامن بگند و ضامن خودش را بیاورد و ثابت کند اعتبار او را مدعی هم اگر اعتبار ضامن نزد من مسام و محرز شد باید قبول کند و الزامی است حالا اگر اعتبار او مسلم بود که آقای حاجی محمد تقی آمد و گفت شاید هر چه هم طرف بگوید قبول نکنند این فایده ندارد آقا همه بقدر که مدعی آمد و اعتبار او را در محکمه ثابت کرد دیگر قبول آن بر مدعی الزامی است هر چه هم مدعی بگوید فایده ندارد چرا؟ چون بر محکمه ثابت شده است مسئله اینست نه اینکه محکمه باید بیاید و صرف مدعی العموم را در نظر شود و سر جای مدعی بایستد یا خیر اگر مدعی حاضر نشد در روز معین ابطال حق خود را کرده است و اینست آقای کیا حالا اگر مطلب همین است و در کشف شده است آقای کیا که بنده با کفایت مذاکرات موافقم والا خیر

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهادی از آقای زوار رسید

پیشنهاد آقای زوار

پیشنهاد میکنم ماده ۲۱ اینطور نوشته شود: در ضمانت فقط قبولی مدعی کافی است

زوار - عرض کنم که در چند شب پیش از این هم بنده خودم این عقیده را تذکر دادم که باید قانونی که وضع می شود مطابق با وضعیت ملی باشد و اگر ما بخواهیم تضيیقاتی مطابق يك اصلي قائل شویم آنوقت یکی ابواب دادو ستد و معاملات از بین میرود. در این ماده يك چیزهایی نوشته شده است که اولاً باید محکمه قبول کند بعد برود ثبت اسناد و دفتر اسناد رسمی خیلی این ها پیچیده است و بنده عقیده دارم فقط نوشته شود قبولی مدعی فقط کافی است و دیگر احتیاجی باین تشریفات و این چیزها نیست وقتی مدعی علیه مدعی را متقاعد کرد که چیز بکند ضامن او را قبول کند او هم کرد کافی است و گمان میکنم باقیش زیادی است و اسباب اتلاف وقت است.

مخبر - فرمایش آقای زوار راجع باینکه اینقدر که مدعی قبول کرد دیگر کافی است ممکن است آقا اساساً مدعی حاضر نشود در محکمه همانطور که آقای کیا در ماده ۲۱ در نظر گرفتند. مدعی حاضر نیست ضامن هم مجبور نیست شخصاً در محکمه حاضر شود تصدیق می کنید که باید يك نوشته با امضاء و مهر او بیاورد در محکمه مدعی هم که حاضر نیست پس در این صورت این فرضی که در اینجا توضیحاً نوشته شده باید همین صورت باشد که اگر ضامن حاضر شد یا حاضر نبود و نوشته او را آوردند چه قسم رفتار بکنند یا مدعی ممکن است در امضاء و مهر او تردید داشته باشد یا نداشته باشد (امضای آقای زوار را يك محکمه ممکن است بنامند و امضای بنده را نشناسد) پس آبر در ثبت اسناد تصدیق شده باشد رفع این اشکال میشود و محکمه میدانی کرد و دید که با امضای طرف و تصدیق ثبت اسناد بنده صحت او را اعلام میکند و مدعی هم اگر حاضر نشد قبول میکند پس این فرض لازم است در ماده

باشد و اسباب تسهیل کار است و زائد نیست و ممکن است این موارد پیش بیاید.

زوار - بنده مسترد می کنم

رئیس - پیشنهادی از آقای طاهری رسیده است:

پیشنهاد آقای طاهری

پیشنهاد میشود در ماده ۲۱ بعد از کلمه تصدیق طرف اضافه شود یا محکمه

دکتر طاهری - موضوعی که مطرح است (آقای

مخبر توجه میفرمائید؟) این است که اگر چنانچه محکوم له یا مدعی تقاضای تأمین را کردند برای مدعی علیه یا محکوم علیه حق است که ضامن بدهد و محکوم به یا مدعی به را از توقیف خارج کند برای این که اینکار عملی شود دو چیز لازم است یکی اینکه اول يك کسی حاضر شود که ضامن بشود یکی هم اینکه این ضامن معتبر باشد و این که مورد هر دو در این ماده هست اولاً باید ضامن معلوم شود کیست ثانیاً اعتبار او باید مسلم شود چطور معلوم میشود که این ضامن است؟ سه قسم است که در این جا معلوم شده است یکی اینکه ضمانت نامه در ثبت اسناد ثبت شده باشد یکی اینکه در دفتر اسناد رسمی ثبت شده باشد یکی ضمانت نامه بخط و امضاء یا بمهر ضامن رسیده باشد و مدعی تصدیق بزند خوب اگر محلی باشد که در آن جا ثبت اسناد نباشد دفتر اسناد رسمی هم نباشد مدعی هم تصدیق نکند عمداً در صورتیکه محکمه به بیند که این خط و امضای طرف است و بر او واضح و ثابت شود مانعش چه چیز است که قبول نکنند این ضامن را مدعی قبول کند البته مدعی هم حق دارد بر اعتبارش ابراد کند اگر معلوم شد معتبر نیست صحیح است ولی اگر این فرض باشد در جاهایی که ثبت اسناد نیست هیچوقت مدعی قبول نمی کند ضمانت او را با اینکه میدانند معتبر است و خط و مهر او است ولی قبول نمی کند خوب اینکه فایده ندارد اینکه نتیجه ندارد این يك تضيیق و زحمتی است بر مدعی علیه و محکوم علیه

در این جا افلاً برای این شخص که تصدیق طرف را برای خط و مهر آن طرف شرط قرار داده‌اید بنویسید یا محکمه‌ولی راجع باعتبارش البته صحیح است برای اینکه این آدم باید حقت محفوظ باشد و هر قدر سختی کند مدعی صحیح است نسبت بضامن ولی نسبت بخط و مهر او اگر گفت قبول ندارم اگر محکمه فهمید و ده نفر تاجر دیگر تصدیق کردند که این خط و مهر او است مانعی ندارد که مدعی قبول بکند پس بعقیده بنده در قسمت اول بایستی بعد از آنکه در اداره ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی ثبت شده یا مورد تصدیق طرف یا محکمه باشد یعنی این خط و امضاء مورد تصدیق باشد نه اینکه اعتبارش که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که قاضی نمیتواند دخالت کند و این حرفها. خیر آقا باید خط و امضاش مورد تصدیق محکمه باشد.

مخبر - متأسفانه نمیشود این پیشنهاد را قبول کرد برای اینکه قاضی محکمه ولو اینکه بشناسد امضاء و مهر ضامن را حق ندارد تصدیق کند مگر بعد از يك قسمت اگر صرف شناسائی قاضی محکمه کافی بود در رسیدگی بسا اسناد هم کافی بود ممکن است يك قاضی محکمه امضای شخص شماره ۱ هم خوب بشناسد خط شماره ۱ هم خوب بشناسد ولی اگر دید و شناخت و مورد اعتراض يك کسی واقع شد در محکمه حق ندارد بگوید که من می شناسم این خط و مهر فلا تکس است و الا ضمانت نامه معنی ندارد ممکن است يك روزی نسبت به ضمانت نامه ادعای جعل بشود. بگوید درست است ظاهراً خط و مهر شبیه است ولی اصلاً این ضامن که خودش در محکمه حاضر نشده است بگوید اصلاً این ضمانت نامه را با امضاء و مهر من ساخته‌اید قاضی محکمه ولو اینکه خط او را یا شبیه او را شناخته است و میشناسد اگر تصدیق کرد تصدیق کرده است بيك چیز مجموعی بدون اینکه محاکمه بشود. در هر حال تصدیق محکمه مناط نیست و نباید مناط باشد و وقتی که او اظهار عقیده کرد و تصدیق کرد که این

خط و مهر او صحیح است مثل حکم محکمه است و باینجهت است که گفته میشود اگر قاضی يك نوشته را نوشت و شهادتی داد در آن موضوع دیگر نباید او اظهار عقیده بکند شما فکر بعدش را هم بکنید که بعد ممکن است نسبت بهمان اصل نوشته ضمانت نامه يك متکلفی پیش بیاید بنا بر این محکمه نباید تصدیق کند ولو اینکه بشناسد. ممکن است قاضی روز اول که عرض حال میدهند بدستش از روی مدارك و نوشتجات بفهمد که حق با کی است ولی نباید اظهار عقیده کند تا طرفین حرفشان را بزنند پس صرف بردن ضمانت نامه و شناسائی امضای او کافی نیست اگر طرف تردید کرد باید رسیدگی کند مطابق اصول کلی که مقرر است برای رسیدگی باوشنجهت و امضاء و خط و مهر و اینها باید قاضی رسیدگی کند ولو اینکه علم داشته باشد که این خط و مهر من متنسب الیه است. علم قاضی مناط نیست.

دکتر طاهری - بنده این را استرداد میکنم و بنظر دیگر اصلاح و پیشنهاد میکنم
رئیس - پیشنهادی از آقای کازرونی رسیده است:
پیش نهاد آقای کازرونی
بنده پیشنهاد میکنم از جمله و در هر مورد که آخر حذف شود.
رئیس - بفرمائید.

کازرونی - بنده غرضم این است که آقای مخبر بک توضیحی بدهند (بعضی از نمایندگان - باند تر آنرا) که اینجائی که مدعی علیه یا محکوم علیه مکلف است که اعتبار ضامن را اثبات کند مناط اثبات چه چیز است ملاك اثبات را شما باید درش يك توضیحی بدهید که چه قسم باید ثابت شود يك تاجری که داد و ستد دارد و پیش مردم هم معروف است آدم معتبری است بی ضامن میدهد ولیکن طرف میگوید پیش من معتبر نیست حالا شما چه شکل اعتبار او را ثابت میکنید؟

که يك شپئی نیست که مجسم باشد و بیابورد آنجا نشان بدهد. يك دفتری هم از طرف دولت در دست نیست که در دفتری قید شده باشد که این آدم اینقدر اعتبار دارد بر ممکن است مدعی بجهت تضییق بر طرف و برای اینکه تسهیل بکند پیشرفت مقاصد خودش را و مجبور بکند مدعی علیه تکالیف و الزامات مدعی را حق یا باطل بپذیرد هر ضامنی بیابورد بگوید پیش من معتبر نیست بیا ثابت کن اینجاش را بنده هر چه فکر میکنم نمیدانم و در هر صورت بنده نفهمیدم فلسفه اینکه شما آمده‌اید و اصولی را ضایع کردید و متمسک به فروع شده‌اید چه چیز است آخر مدعی که ادعا میکند اصل عدم ادعاست شما يك تضییقانی از همان حین ادعا از برای مدعی علیه قائل شدید که اگر همان ساعت الزامش کردید بتأدیبه همان مبلغ راحت تر میشد و آسوده تر میشد و گمان نمیکنم در سایر نقاط دنیا هم يك همچو قضایائی وجود داشته باشد (یکی از نمایندگان چرا) نه هیچ نیست. بنده اطمینان بشما میدهم. شما وقتی که خیلی ناچار شدید میگوئید در اروپا آدم عقربی راه میرود باید آدم عقربی راه برود (ملك آرائی - یعنی دمش را لا کند) همچو چیزی نیست.

مخبر - بعضی مسائل هست که وجودش اثبات لازم دارد. بعضی چیزها هم هست بر خلاف اصل. عدمش اثبات لازم دارد. مثلاً افلاس را اگر کسی مدعی شد خود آن مدعی افلاس که امر عدی است میگویند که چرا؟ برای اینکه يك ترتیب خاصی است. الاصل اصل است ولی مسئله اعتبار اینطور نیست اثبات ضامن معتقد که مورد تردید واقع شد باید مدلل شود کازرونی - چه جور ثابت میکنید؟ اعتبار يك چیزی است که خیلی روشن و واضح باشد مثل همان قضیه ای که عرض کردم و مدعی افلاس و حال که اصل این است که اگر کسی گفت مفلسم ل ندارای است ولی باز خلاف ظاهر است باید

ثابت شود. يك کسی که ظاهراً معتبر است اصل این است که معتبر است بنا بر این اگر گفت من معتبرم باید قبول کرد ولی اینطور نیست اگر تردید شد باید ثابت شود. شما میفرمائید در ممالک دیگر دنیا این طور تضییقات میشود نسبت بضامن در ممالک دیگر يك چیزهای دارند که ما آن چیزها را نداریم در ممالک دیگر تاجر دفاترش منظم است مطابق قانون تجارتش هر سال بیالانش را میدهد به وزارت تجارت سر مایه اش معلوم و منافع او معلوم حسابش روشن در مملکت ما هنوز آن ترتیبات نیست. در ممالک دیگر تمام املاك و دارائیهها ثبت شده است حتی املاك را تقسیم سهام میکنند مثل اینکه شما يك شرکی تشکیل میدهند و سهامی تولید میکنید. يك سهام غیر منقوله هم تقسیم میکنند بین مردم. در ممالک دیگر اینطور است ولی در مملکت ما اینطور نیست (کازرونی - زرقم والله بنده خبر ندارم) بنا بر این شما که میخواهید تأمین مدعی به عمل آید شما که میخواهید يك توفیقی را بردارید که باعث خاطر جمعی مدعی باشد و آنرا تبدیل کنید بيك ضامنی بفتح مدعی علیه لا اقل باید قائل بشوید که این مدعی خاطر جمع بشود از ضمانت (کازرونی - ملاك چه چیز است؟) ملاك تصدیق ثبت اسناد ثبت املاك تصدیق میکنند که آقای کازرونی يك ملاکی دارد (کازرونی ندارم تاجر من ثبت کرده است که پنجاه هزار تومان قیمت دارد پنج هزار تومان - ان فرضاً ضمانت میکنند و ثبت اسناد تصدیق میدهد بدستان که پنجاه هزار تومان دارائی دارد یا تصدیق يك عده از مطلعین و کسانی که مورد اطمینان محکمه هستند مخصوصاً در این قضایا استماع شهادت هم در محاکم عرف اشکالی ندارد وقتی تصدیق بکنند که این شخص معتبری است میتواند محکمه قبول بکند طرف هم قانع میشود ولی اگر يك اشخاصی خواستند بصرف دادن يك ضمانت نامه بدون اینکه اعتبار ضامن محرز باشد محکمه را ملزم کنند که تو حتماً این را قبول کن و آن توفیقی که موجب تصدیق من است بردار تصدیق بکنید که این کاری است که از احتیاط

دور است یعنی آن منظوری که شما دارید از تأمین مدعی به عمل نمیآید وقتی حکم صادر شد و میخواهند اجرا کنند می بینند آقای ضامن هم مثل خود مدعی علیه است یا پست تر از اوست یا مفلس است پس بهتر این است که از روز اول يك محکم کاربهای بشود این است که خواهش میکنم آقای آقا هم موافقت بفرمائید و پیشنهادتان را استرداد بکنید

کازرونی - ملاکش را ذکر کنید

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی از آقای کیا رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای کیا

بنده پیشنهاد میکنم ذیل ماده ۲۱ را باین عبارت درج فرمایند

در صورت تقاضای طرف یا محکمه اعتبار ضامن یا ضامن های خود را در محکمه ثابت کند.

رئیس - بفرمائید

کیا نوری - عرض کنم ماده ۲۳ میگوید اگر مدعی یا محکوم علیه در روز معین در محکمه حاضر نشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای تأمین کلیه یا قسمتی از مدعی به یا محکوم به کافی میداند قبول کند. در این ماده ۲۱ فقط موقع حضور مدعی را که طلب اعتبار میکنند فقط این مورد را برای اثبات ذکر میکنند در صورتیکه اگر مدعی نباشد و قاضی خودش بخواهد این ضمانت را قبول کند در هیچیک از مواد سابقه این ملحوظ نشده که قاضی اعتبار را از مدعی نلیه بخواهد فقط تذکری که يك عده از آقایان دادند در ماده ۲۳ لفظ کافی میداند بود. بنده این لفظ کافی میداند را هم میدانم به کجا برمخورود يك لفظ مجملی است و این اندازه از ماده چیزی

آقای کیای نوری که خودشان از قضات هستند (کازرونی صحیح است) گاهی فرمایشاتی میفرمایند که برخلاف اصل است (آقا سید یعقوب قاضی نیز!) آقای عزیز من توجه بفرمائید مطابق اصلي که معتبر است بین ماها قاضی حق تحصیل دلیل برای طرف ندارد چرا قاضی حق ندارد بگوید که این قابل تشکیک و تردید است یا این سند اصالت دارد یا ندارد و این ضامن معتبر هست یا نیست. برای اینکه این قاضی وقتی که یکی از متداعین حق دارد ضامن را بمحکمه معرفی کند محکمه باحضور متداعین رسیدگی باینکه آیا ضامن معتبر هست یا نیست نمیتواند بکند و این برخلاف اصول است در ماده ۲۳ که گفته شده است در غیبت مدعی رسیدگی محکمه مثل رسیدگی غیابی است در رسیدگی غیابی اگر یکی از متداعین حاضر نشدند قانون اجازه میدهد بقاضی که تحقیقاتی بکند و قائم مقام آن کسی است که غایب است و حکم صادر میکند در پنجاهم از این لحاظ این حق داده شده است از نقطه نظر حفظ الغیب یکی از متحاکمین یا متداعین ولي با حضور خود متداعین قاضی حق ندارد بگوید که این ضامن معتبر هست یا نیست خود طرف هست. اگر خود طرف حضور نداشت همان تکلیف را دارد که در محاکمه غیابی قاضی باسناد رسیدگی میکند مثل اینکه طرف خودش حاضر باشد در موقع غیبت مدعی هم همین کار را می کند حالا در ماده بعد که رسیدیم صحبت بفرمائید

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای کیا را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد: پیشنهادی از آقای فیروز آبادی قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود که مورد تقاضای مدعی یا محکمه واقع شود:

یاسائی - این پیشنهاد رد شد
رئیس - بفرمائید.

فیروز آبادی - عرض میشود چون برطبق این پیشنهاد بنده پیشنهادات دیگر هم شد و رد شد بنده دیگر اصراری ندارم

آقا سید یعقوب - استرداد می کنند آقای کیای نانی
رئیس - آقای طاهری پیشنهاد خودشان را تجدید کردند:

پیشنهاد دیگر آقای طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمته پیشنهاد میشود تبصره ذیل بماده ۲۱ اضافه شود تبصره - در محالی که اداره ثبت اسناد و دفتر اسناد رسمی دائر نباشد چنانچه مهر و امضای ضامن مورد تردید طرف شد محکمه بایست رسیدگی کند.

رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - این پیشنهاد روی همان نظریه است که عرض کردم اگر چنانچه تأمین نشود اصلاً بی مصرف است این دادن حق ضامن بمدعی علیه و محکوم علیه برای اینکه در غالب نقاط دفاتر ثبت اسناد و ثبت رسمی نیست و مدعی و محکوم له استفاده میکنند از نبودن این و انکار میکنند بنا بر این باید تکلیف این معلوم شود که اگر نبود دفتر ثبت اسناد و املاک و امضاء و مهر مورد تردید واقع شد وظیفه محکمه است که رسیدگی بکنند تا اینکه مدعی علیه و محکوم علیه بتوانند ثابت کنند صحت آنرا. همان نظریه است که داشتیم.

مخبر - عرض میشود این پیشنهاد قبولش یکقدری اشکال دارد از حیث اینکه ممکن است يك محاکمه را از نو تشکیل بدهد تصدیق میفرمائید اگر چنانچه مدعی اظهار شك و شبهه یا ابراز جعل (که از این دو صورت خارج نیست) نسبت به ضمانت نامه کرد خود رسیدگی باین قضیه

يك محاکمه ایست و ما میخواهیم تأمین مدعی به بجزله انجام بگیرد آنوقت در خلال آن يك بابی برای محاکمه دیگری باز بکنیم این کار خوبی نیست بهتر این است بگذارید اگر تردید شد یا خود ضامن را ببرد در محکمه حاضر کند وقتی خودش در محکمه حاضر شد و گفت دعوی نکنید این امضای من است اشکال رفع میشود و آنطوری که شما پیشنهاد کردید که رسیدگی کنند بطور کلی چون خیلی مطلق است آنوقت مطابق میشود با موازین و اصولی که برای رسیدگی بسایر نوشتجات لازم است و آنوقت مثل سایر دعاوی که لازم است تشریفاتی را داشته باشد اینهم علی الاصول لازم دارد و بیشتر اسباب و تولید زحمت میشود بهتر این است که يك کاری بکنید شما که سرعت و سهولت کار تأمین مدعی به انجام بگیرد نه اینکه بدتر بشود....

دکتر طاهری - ضامن برای رفع تأمین است

مخبر - ضامن برای رفع توقیف است نه برای رفع تأمین ضامن بدلی است از توقیف برای رفع توقیف نه برای رفع تأمین مدعی به. تأمین مدعی به متوجه به توقیف شده است و تبدیل میکنم بشق دیگری بنوع دیگری و شما در این تبدیل کاری می کنید که مشکلاتی برای طرفین ایجاد می کنید و اگر يك طرفی (همینطور که یکی از آقایان اظهار کردند) خیال کشمکش داشته باشد خیال طرفه داشته باشد تصدیق بکنید که از این عبارت خیلی میشود سوء استفاده کرد مخصوصاً اگر طرفش يك وکیل مبرزی باشد در عدلیه.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد...

دکتر طاهری - پیشنهاد را مسترد میکنم.

رئیس - پیشنهاد دیگری است از آقای ملک مدنی

پیش نهاد آقای ملک مدنی

نصبره ذیل را پیشنهاد می نمایم: در نقاطی که دفتر اسناد رسمی موجود نباشد تصدیق محکمه برای اثبات

اعتبار ضامن کافی است.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم مقصود همه ما این است که بکطوری بشود که هیچیک از متداعین تضییق نشود و مخصوصاً استدعا میکنم که آقای یاسائی بیشتر توجه بفرمایند پیشنهاد بنده بفرمایند. يك نقطه ایست که دفتر اسناد رسمی تشکیل نشده دو نفر آنجا محاکمه دارند تأمین مدعی به خواسته است و تقاضای ضامن کرده است يك نفر شخص اول معتبر آن محل را آن شخص میآورد به ضمانت معرفی میکند طرف هم مدعی است رد میکند آن شخص معتبر را در این موقع تکلیف آن کسی که محاکمه دارد و طرفش هم اینطور میگوید چیست کمسیون قوانین عدلیه چه چیز برای همچو موقعی پیش بینی کرده. غالباً هم در اغلب نقاط این مملکت دفتر اسناد رسمی نیست در فقر متداعین هم که طبیعتاً با هم نظر مساعد ندارند نمیتوانند که به محکمه و قاضی قائل هستند قاضی است که در اصل ماهیت دعوی وارد میشود و رسیدگی میکند البته باید این حق را هم برای او قائل باشید که در تشخیص امضای يك نفر ضامن هم بتواند رسیدگی کند و اظهار عقیده کند بنده هم خودم شبهه بین قضا را اطلاع دارم که در ولایات مورد ابتلای يك اشخاص واقع شده است این است که بنده این پیشنهاد را کرده و الا ما نظر خصوصی که نداریم.

مخبر - عرض کردم که تصدیق محکمه امضا و يك ضامنی را قبل از اینکه يك رسیدگی هائی بشود صلاح نیست در اینجا قید شود زیرا قاضی معنی ندارد که اظهار عقیده بخط و مهر کسی بکند قبل از اینکه در اطرافش رسیدگی بشود اگر مورد مناقشه نیست طرف قبول دارد قاضی هم قبول دارد (سید یعقوب صحیح است) و اگر چنانچه مورد تصدیق مدعی باشد قاضی نمیتواند خودش تصدیق کند و همانطوری که عرض کردم بر خلاف اصل است. بر خلاف بیطرفی

است و بگذارید خواهش میکنم ماده همینطوری که نوشته شده است باشد برای اینکه هر چه بکنید خراب تر میشود. اما این فرضهائی که شما میکنید برای اشکال قضیه اولاً اینقدرها مشکل نیست زیرا فرضاً در ملایر شما که محکمه بدایت است و شهر کوچک است آوردن ضامن از چند قدم راه در خود محکمه اینقدرها مشکل نیست.....

ملک مدنی - میآورد توی محکمه قبول نمیکند

مخبر - توی محکمه اگر آورد خود ضامن را جلو قاضی و گفت این خط و مهر من است اینکه اشکال ندارد صحبت سر امضاء است صحبت سر اعتبار نیست شما اگر مقصودتان راجع تصدیق امضا و مهر طرف است که وقتی حاضر شد دیگر اشکالی ندارد.....

ملک مدنی - مقصود راجع اعتبارش است.

مخبر - مقصود باعتبار است؟ (ملک مدنی - بلی)

اگر مقصود شما راجع تصدیق اعتبار ضامن است از طرف قاضی عرض کردم نمیشود این قید را کرد حالا يك چیز هائی است که البته گفتنش مقضی نیست. تنها دارائی ضامن کافی نیست برای اعتبار ممکن است که يك شخصی باشد خیلی خیلی دارا ولی معتبر نباشد از نقطه نظر اجرای عدلیه. يك شخص خیلی معتبر و ذی نفوذی است که اجرای عدلیه حریفش نمیشود. اگر من مدعی را میگوئید من اعتبار نمیکم باین شخص همه چیز را که نباید توضیح داد ممکن است يك کسی را ضامن خودش معرفی کند که هیچکس حریفش نشود بالاخره فرض کنیم فلان شخصی که در فلان ایل زندگی میکند خیلی هم متمول و دارا است ولی هنوز سر نیزه آنجا کار خودش را تمام کرده است (سید یعقوب - که نابودش کند) که احضار به عدلیه پشت سرش برود پس خوب است آقا موافقت بفرمایند که ماده همان حال خودش باقی باشد (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای ملک مدنی را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای میگیریم بماده بیست

يك آقایان موافقت قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۲ قرائت میشود:

ماده ۲۲ - محکمه بعد از حاضر شدن ضامن یا وصول ضمانت نامه روزی را معین میکند که طرفین در جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتن ضامن مذاکره نمایند و این اقدام باید فوراً در جلسه فوق العاده و خارج از نوبت بعمل آید

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - در این ماده يك اشتباهی شده است که البته مقصود این نبوده است که از این عبارت استفاده میشود. مینویسد: محکمه بعد از حاضر شدن ضامن یا وصول ضمانت نامه روزی را معین میکند که طرفین در جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتن ضامن مذاکره نمایند معنائش اینست که اگر ضامن در محکمه حضور بهم رسانید آنوقت محکمه وقت معین میکند در صورتیکه گویا مقصود این بوده که بعد از آنکه مدعی علیه اعلام کرد که ضامن او حاضر است که داده شود آنوقت محکمه وقت را معین میکند. این عبارت را باید اصلاح بکنید.

مخبر - بنده خواهش دارم نظرتان را پیشنهاد نمائید

يك عبارت بهتری

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا نظری که آقای شریعت زاده فرمودند در کمیسیون هم گمان میکنم تشریف داشتند موضوع این است است بعد از این که مدعی علیه ضامن را معرفی کرد معنای معرفی کردن این است که ضامن را بیاورد یا ضمانت نامه اش را بیاورد بعد این در آنوقتی که حاضر شد در همان روز نمیشود در باب پذیرفتن این ضامن صحبت بشود. چرا؟ مثلاً بنده که مدعی علیه هستم و خانه ام را توقیف کرده اند میآیم به محکمه اظهار میکنم که آقای یاسائی را ضامن معین کردم یا اینکه يك ورقه دراز یاسائی را بخط و مهرش آوردم بمحکمه وقتی که آوردم او که نیست که همانوقت محکمه این را باید در جریان ترتیبی قرار ندهد. بعد از فلان مسئله مثلاً چهار تا محاکمه دیگری است این باید بعد از آن واقع شود. خیر باید این را خارج از نوبت قرار بدهد که مقصود ما هم در کمیسیون این بود تشریف داشتید گمان میکنم کفایت میکند مگر اینکه شاید بفرمائید عبارت محکمه بعد از حاضر شدن ضامن یعنی محکمه بعد از معرفی شدن ضامن یا وصول ضمانت نامه. عوض حاضر شدن معرفی ضامن کفایت میکند و معنایش هم همین است.

دکتر طاهری - عبارت ماده هم خوبست

آفاسید یعقوب - بلی.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده قرائت میشود:

پیشنهاد آقای شریعت زاده

پیشنهاد میکنم قیمت اول ماده ۲۲ بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده ۲۲ - بعد از معرفی ضامن یا وصول ضمانت نامه محکمه روزی را معین میکند الی آخر

مخبر - بنده قبول میکنم این پیشنهاد را مقصود هم

همین است.

آفاسید یعقوب - صحیح است.

رئیس - آقای زوار پیشنهاد حذف کرده اند در باب رأی گرفتن ماده اگر مجلس موافق نباشد حذف طبیعی میشود موافقین با ماده ۲۲ قیام فرمایند (اکثر رخواستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و سه مطرح است:

ماده ۲۳ - اگر مدعی یا محکوم له در روز معین حاضر نشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای معین کلیه یا قسمتی از مدعی به یا محکوم به کافی بپذیرد قبول کند

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای کیا.

کیا - آقای مخبر میفرمایند که در رسیدگی غیر قاضی حق مطالبه دلیل ندارد چرا ندارد؟ عرض حال بدون دلیل قبول نمیکند رسیدگی غایبی معنایش همین است که دلیل قبول کند. قاضی حق مطالبه دلیل ندارد بنده عرض میکنم اینجا از سه قسم خارج نیست اجتناب می فرمائید از سه قسم خارج نیست یا اینکه اگر آن روزی را که معین میشود برای مدعی که ضامن را بیاورد کند آن روز اگر حاضر نشد یا موافقی از بزرگ حضور داشت از قبیل مرض و غیره برای محکمه هست که روزش را تبدیل به روز دیگر کند در صورت مدعی حاضر نشود. یا اگر آن فرمایش جنابعالی بنده عرض میکنم حق اعتراض به مدعی بدهد که يك نفر ضامن را آورد در غیبت او در محکمه عرضه داشت که آن ضامن معتبر نبود در این موارد که بنده نگاه کردم حق اعتراض هم باو ندادید حضورش را که ساقط کردید به محکمه هم که حق نمیدهد که این بخواید پس این هیچ راهی ندارد.

آفاسید یعقوب - خودش ساقط کرده آقای قاضی. کیا - خودش که حق حضور ندارد برای اینکه اگر حاضر نشد حقش ساقط میشود دیگر هیچ تکرار ندارد حق اعتراض هم نمیدهد که اگر يك ضامن غیر معتبر داد بیاید اعتراض کند ده روز پنج روز حق اعتراض باو بدهد که اگر ضامن غیر معتبر داد به محکمه بیاید اعتراض بکند و خودش اعتبار ضامن را از مدعی و مدعی علیه بخواهد این حق را هم بهش نمیدهد به محکمه هم حق نمیدهد که روزی را که آمد مدعی علیه ضامن را عرضه داشت بضامن مدعی علیه بگوید آقا اعتبارت را محرز کن بنده تصور میکنم که در این ماده ۲۳ صحیح است فرمایشی که فرمودید که لفظ کافی بنده لفظ کافی را اینجا نمیدانم به کجا میخورد کافی یعنی از جهت اعتبار کافی باشد خوب اما اینجا دوسه معنی را میسراند لهذا اگر يك لفظ اعتبار را در این ماده اضافه کنیم که ضمانت یا ضامن یا اعتبار ضامن بالاخره اینجا که لفظ اعتبار اضافه کنید این تامین مدعی به میشود الا با این ترتیب که حق اعتراض بهش ندهید حق خودش را هم ساقط کنید به محکمه هم حق ندهید که اعتبار ضامن را بخواهد پس این ضمانت معنی ندارد.

مخبر - عرض میشود که عبارت بنظر خیلی ساده

است و خیلی هم به مقصود وافی است (آفاسید یعقوب - خیلی)

بن نوشته است محکمه میتواند ضمانتی را که برای معین کلیه یا قسمتی از مدعی به یا محکوم به کافی میداند قبول کند یعنی می تواند قبول کند در صورتی که وقتی طرف حاضر است نمی تواند قبول نکند وقتی که خود که مختار است در اینکه قبول کند یا نه از نقطه نظر بنابر یا عدم اعتبار ضامن است و از نقطه نظر شناسائی آن خط و مهر آن ضامن است یعنی اگر ضامن غایب قاضی محکمه قائم مقام او است و همسان عملیات را

راجع بخط و مهر ضمانت نامه و راجع باعتبارش خواهد کرد این است که عبارت نوشته شده محکمه میتواند قبول کند یعنی اگر چنانچه کافی ندانست قبول نمیکند ملزم نیست با این صراحت بنده نمیدانم این را چرا آقای کیا اشکال کردند؟!

رئیس - آقای احتشام زاده موافقت؟

احتشام زاده - موافقم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - بنظر بنده این ماده نواقصی دارد برای اینکه اصولاً ضامن یعنی ضمانت (آقای مخبر توجه بفرمائید) بموجب این قانون در موردی است که تامین تبدیل شده ملتفت شدید تقاضای تبدیل از طرف مدعی علیه است مدعی حاضر نمیشود در اینصورت اگر مدعی علیه تقاضای رسیدگی باعتبار ضامن را کرد محکمه مکلف است رسیدگی باعتبارش بکند و قراری بدهد و اگر این تقاضا را نکرد مدعی هم حاضر نشد هیچگونه اقدامی برای محکمه تجویز نمی شود کرد زیرا که يك مدعی علیهی تقاضای تبدیل تامین میکند و خودش هم تقاضا نمیکند در اینصورت محکمه هیچ اقدامی نباید بکند ... آفاسید یعقوب - نباید بپذیرد.

شریعت زاده - نباید بپذیرد برای چه برای

این که مدعی علیه تقاضای تبدیل می کند تبدیل توقیف بضامات ...

آفاسید یعقوب - معرفی هم کرده.

شریعت زاده - معرفی هم کرده خودش هم حاضر است لکن در محکمه تقاضا نمیکند که مدعی من که حاضر نشده است شمارسیدگی باعتبار بشنید و قراری بدهید زیرا که تقاضای تبدیل نکرده اگر چنانچه مدعی علیه تقاضای این را نکند محکمه مکلف نیست که اقدام بکند و اگر تقاضا کرد چون اینجا در مقابل این تقاضا مدعی

مدعی علیه است یعنی يك تقاضای بر علیه مدعی که مدعی علیه است شده او مانند يك محکوم علیه غایبی است وقتیکه بعد آمد تشخیص داد که يك ضامن بی اعتباری برایش معین شده البته باید حق اعتراض داشته باشد میگوید باین دلائل این ضامن معتبر نیست ضامن معتبر بده تا من قبول کنم و الا توقیف بحال خودش باید باقی باشد.

مخبر- عرض کنم وقتی که خود مدعی علیه تقاضا بکند حق با حضرت عالی است این فرض اولی است که خود مدعی علیه تقاضا کند ولی این يك فرض خیلی غریب و عجیبی است برای اینکه خود مدعی علیه بضر خودش راجع بضامنی که معرفی میکند بمحکمه نمی آید حرف بزند می که مدعی علیه هستم و میخواهم از شر توقیف خلاص بشوم و يك ضامنی را معرفی میکنم بمحکمه نمیگویم بیار رسیدگی باعتبار ضامن بکن اینکه نیست در قسمت فرض دوم که فرمودید مدعی حق اعتراض داشته باشد اصولا درست است ولی تصدیق میفرمائید که يك قرار و حکمی را محکمه صادر نمیکند که اعتراض و رسیدگی بشود این يك اقدامی است و بالاخره بکلیه اقدامات محکمه اگر نباشد در هر موردی حق اعتراض قائل شویم ختم قضایا بجائی نمیرسد و بهتر این است که بهمین صورت باقی باشد معذک ممکن است يك تبصره پیشنهاد کنید که در صورتیکه مدعی به غائب اعتراض کرد باعتبار ضامن آنوقت محکمه رسیدگی بکند و نتیجه رسیدگی محکمه هر چه شد نه اینکه ضمانت باطل بشود ضمانت را محکمه در غیبت مدعی قبول کرده اگر مدعی آمد و اعتراض کرد باعتبار ضامن آنوقت محکمه رسیدگی کند باعتبارش رئیس - آقا سید یعقوب مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بلی عرض کنم متأسفانه آقای یاسائی شما يك توضیحی دادید که بر خلاف آن چیزی بود که بنده در کمیسیون هم متوجه بودم. بنده خیلی میل دارم که آقایان بقانون و موادی که مرتب بهمندبگر است توجه بفرمائید اصل موضوع را بنده موافق هستم

یعنی موافقم با ماده و مخالفم با آن بیانی که آقای یاسائی در جواب آقای شریعت زاده فرمودند آن کلمه میتواند و جواز را که آوردند بنده مخالفم حالا توجه بفرمائید عرض کنم ما در مسئله تأمین مدعی به که آمدیم باین فشاری برای مدعی علیه قائل شدیم که اگر يك وقتی که مدعی تقاضای تأمین کرد باید تأمین کند مدعی به را فرار از محکمه صادر میشود که خانه یا ملک مدعی علیه را توقیف کنند ما اینجا برای خاطر حفظ عدالت آمدیم گفتیم که اگر مدعی علیه آمد معرفی ضامن کرد بوجوب مذاکراتیکه میشود. بمجرد اینکه معرفی ضامن کرد الزامی است یعنی باید مدعی آن ضامن را بپذیرد باین يك حقی داریم ما بمدعی و گفتیم حالا که الزامی است ضامن را بپذیرد ولی اگر اعتبارش پیش مدعی منزله باشد میتواند از محکمه تقاضا کند که اعتبار ضامن ثابت شود و اگر خوب وارد فلسفه شوید ما در اینجا حفظ عدالت نسبت بهر دو کردیم هم آمدیم الزام کردیم بر مدعی که بپذیرد ضامن را که مدعی علیه از آن مضیقه توقیف خارج شود و هم اینکه بمجرد اینکه بر کسی را که بیاورد ضامن بدهد ما گفتیم نه اگر ضامن معتبر نباشد و مدعی شك و تردید در اعتبار ضامن بکند باید اعتبارش را در محکمه ثابت کنند تا اینجا بنده حالا روزی که مدعی علیه است معرفی ضامن کرده است خبر هم بمدعی داده است مدعی طفره میزند نمیاید بجز طفره میزند چون این ضامن که قسم حضرت عباس نخورده است که بیاید هر روز صبح يك حرفی بزند مثل مردمان حالا است صبح يك حرفی میزند عصر چیز دیگری گوید این رفته است گفته است بیا ضمانت مرا بگو گفته است چشم میآیم ضامن میشوم اما همین که آمدیم مدعی نیامد دیگر نخواهد آمد و مدعی هم طفره میزند و نمی آید برای اینکه ضامن نیاید و باز در مرتبه تعیینات و سختگیری ها نسبت بمدعی علیه واقع میشود و این جا قانون و مقنن ملاحظه کردند و گفتند در صورتیکه ضامن بیاید و مدعی نیامد آن روزی را که

معین کرده اند از برای پذیرفتن ضامن اگر مدعی نیامد حالا که نیامد اگر ما این را ول کنیم آنوقت باز فشار بر میگرد بمدعی علیه حالا برای اینکه فشار وارد نشود بر مدعی علیه و طفره مدعی اسباب زحمت و رفتن ضامن میشود ما حق میدهم بمحکمه که اگر مدعی نیامد آن روزی که معین شده بود و مدعی طفره زد و نیامد باید محکمه رسیدگی کند.....

کیا نوری - آنوقت اعتبارش از بین میرود

آقا سید یعقوب - صبر کن صبر کن قاضی تمیز صبر کن ما در این جا تمام حقوق را باید ملاحظه کنیم حالا که مدعی غیبت کرد از برای طفره زدن باید محکمه رسیدگی کند اگر محکمه همین را که آقای یاسائی گفت کافی دانست چون محکمه این جا بمنزله مدعی واقع میشود در پذیرفتن ضامن ملاحظه میکنید احوال ضامن را اگر کافی دانست می پذیرد و این جا عرض بنده اختلافی که با بیانات آقای یاسائی دارد در کلمه میتواند است اینجا باید همان جور که وقتی ضامن معرفی میکند الزامی است بر مدعی پذیرفتن ضامن بر محکمه هم الزامی است وقتی که ضامن معتبر است الزامی است نه اینکه میتواند قبول کند یا رد کند. بمجرد اینکه احراز اعتبار واقع شد الزامی است و بمنزله مدعی واقع میشود. چرا بعلمت اینکه حفظ عدالت را هم نسبت بمدعی کرده باشیم و هم نسبت بمدعی علیه و در واقع این جا ملاحظه اصلاح و قطع و فصل را کردیم تمام نظر ما در قضاوت حل و فصل قضایا است که يك قدمی نسبت بعدالت برداشته شود و گمان میکنم این جا هم قطع و فصل واقع شده است و هم قدم عدالت نسبت بمدعی و مدعی علیه برداشته شده است

کازرونی - همه تان درست میگوئید حق با همه است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادی از آقای روحی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد می کنم که بعد از محکوم له (با وکیل او) علاوه بشود.

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم اینکه میگویند اگر طرف حاضر نشد در محکمه محکمه مثل خودش اگر ضامن را کافی دید قبول میکند وکیل گرچه قائم مقام مدعی است و همه جا تصریح شده است ولی در این جا هم اگر قید بشود که اگر وکیلش حاضر شد میتواند چه عیب دارد و بنده تصور میکنم اشکالی ندارد آقای مخبر هم قبول کنند که خودش یا وکیلش اگر حاضر شد در آن موقع هم محکمه نمیتواند این کار را بکند و الا سلب حق از وکیل او میکنیم و خوب نیست شاید مریض باشد مسافر فوری باشد یا بجهت دیگر نتواند حاضر شود بنده تصور میکنم این پیشنهاد بموقعی است و چندان هم بماده زبانی وارد نمی آورد و تقاضا میکنم آقای مخبر استثناء این را قبول کنند.

مخبر - اگرچه عبارت محکوم له یا خودش کافی است و در هر جا که گفته میشود شامل و کلام هم میشود معذک تشخیص موضوع عیبی ندارد نوشته شود اگر مدعی یا محکوم له یا وکیل یکی از آنها که شامل هر دو بشود این را قبول میکنم.

رئیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد آقای شریعت زاده

ماده ۲۳ را بطریق ذیل اصلاح میکنم

ماده ۲۳ - اگر مدعی یا محکوم له در روز معین حاضر نشود محکمه میتواند بتقاضای مدعی علیه یا محکوم علیه باعتبار ضامن رسیدگی کرده و ضمانت را برای تأمین تمام یا قسمتی از مدعی به یا محکوم به قبول و قرار صادر کند در این صورت مدعی یا محکوم له میتواند بر قرار مزبور اعتراض و رسیدگی باعتبار ضامن را تقاضا کند

رئیس - بفرمائید

شریعت زاده -- آقان مخبر توجه بفرمائید عرض کنم مذاکراتی که در این باب جریان دارد طرف افراط و تفریط واقع شده است از یکطرف تمام مساعی ما این است که يك قانونی وضع شود که مدعی که طرح دعوائی میکند مدعی بهش تأمین شود و از طرف دیگر موادی وضع میکنیم که ممکن است بر علیه این فکر باشد زیرا وقتیکه يك مدعی مدعی بهش تأمین شد فقط مدعی علیه میتواند تبدیل کند تأمین را بضامنت بنا بر این باید متوجه این مطلب بود که این فکر این تقاضا اگر بر خلاف نظر مدعی باشد در این جا مدعی مدعی علیه است یعنی يك تقاضائی رغم نظر او از محکمه میگردد. ضامن معرفی میکند البته از انطرف هم نمیتوان بواسطه عدم حضور مدعی علیه را راجع به تبدیل بلا تکلیف گذاشت این است که باید بمحکمه اجازه داده شود که در صورتیکه او تعقیب کند تقاضای خودش را باعتبار ضامن رسیدگی شود و این مؤید نظر خود حضرت عالی است که میفرمائید در موقع عدم حضور محکمه باید حمایتی از حقوق غائب بکند در این جا چون اصل عدم اعتبار است اصولاً باید وقتیکه ضامن معرفی میکند معتبر شناخته نشود مگر اینکه خلافش ثابت شود. مدعی علیه ضامن را که معرفی میکنند نباید این ضامن قبل شود و محکمه باید ازش دلیل اعتبار بخواهد و محکمه قرار اعتبار را که داد قرارش هم لازم الاجرا باشد و تبدیل هم بعمل بیاید نهایتاً از برای حفظ حقوق مدعی که ممکن است در نتیجه اشتباه در رسیدگی غیابی باعتبار ضامن حقوقش تضییع شود حق اعتراض داشته باشد آنوقت اگر محکمه دید ضامن معتبری نبود قرار میدهد که ضامن دیگری بترتیب دیگری که آن هم راضی شود معرفی نماید.

مخبر -- استدعا میکنم اینماده با پیشنهاد آقای شریعت زاده بماند و ماده دیگر خوانده شود تا این ماده با حضور

آقای وریر عدلیه مطرح و مذاکره شود

رئیس - پیشنهاد های دیگری هم هست

یاسائی -- آنها هم بماند

رئیس - بسیار خوب آنهارا باین ماده میگذاریم بماند

بعضی از نمایندگان -- ختم جلسه

رئیس - ماده ۲۴ خوانده میشود

ماده ۲۴ - ضامنت ضامنی که شخصاً در محکمه حاضر میشود در صورت مجلس قید و بامضای او میرسد این ضامنت اثر ضامنتی را دارد که بموجب سند رسمی بعمل آمده باشد

رئیس -- مخالفی ندارد؟

نمایندگان - خیر

رئیس -- موافقین با ماده ۲۴ قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده ۲۵ قرائت میشود

ماده ۲۵ - هرگاه مدعی علیه بموجب حکم تقنینی محکوم گردد ضامنی که برای تأمین مدعی به ضمانت گرفته است باید از عهده محکوم به بر آید

وصول محکوم به از ضامن بعد از ابلاغ حکم محکومین مدعی علیه باو بهمان طریقی که برای اجرای احکام مفروض است بعمل می آید.

رئیس -- آقای روحی

روحی -- موافقم

رئیس -- آقای ونوق

آقا سید مرتضی ونوق -- عرض کنم فلسفه گرفتن

ضامن برای این است که اگر محکوم علیه از عهده تأمین مدعی به بر نیامد ضامن از عهده بر آید این جا وقتی محکوم علیه محکوم شد ضامن در وقت محکوم نشده است بنده عقیده ام این است که اگر

کیا - موافقم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - موافقم

رئیس - مخالفی نیست!

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس -- موافقین با ماده ۲۵ قیام فرمایند (اکثر

برخواستند) تصویب شد

[۳ -- اقتراع برای شرفیابی بمناسبت عید فطر]

رئیس -- از طرف جمعی از آقایان پیشنهاد ختم

جلسه شده است (صحیح است) باید برای روز عید

فطر اقتراع برای شرفیابی بعمل آید

(اقتراع بعمل آمده آقایان ذیل بحکم قرعه

انتخاب شدند)

آقایان: قاضی نوری - ظفری - فیروز آبادی

صادقی - قراگوزلو - دادگر - حمدالله خان بیات ماکوئی

رحیم زاده - آقاسید یعقوب - مولوی - آقاسید مرتضی ونوق

آقا شیخ محمد جواد - حیدری

[۴ -- موقع دستور جلسه بعد -- ختم جلسه]

رئیس - دیگر تصور نمیکم انتظاری باشد که ما

در شب جلسه بکنیم بنا بر این اگر موافقت بفرمائید

جلسه آینده سه شنبه ۱۳ اسفند سه ساعت قبل از

ظهر دستور بقیه تأمین مدعی به .

(مجلس ده ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی دادگر